

سایه معاصر

(در شعر سهراب و اخوان)

تألیف:

مهران عالی‌وند



انتشارات راز نهم

۱۳۹۶

سرشناسه	: عالی‌وند، مهران، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: سایه معاصر (در شعر سهراب و اخوان) / مولف مهران عالی‌وند.
مشخصات نشر	: تهران: راز نهان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۹ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۸-۳۱۶-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۰۵.
موضوع	: سپهری، سهراب، ۱۳۰۷ - ۱۳۵۹ - نقد و تفسیر
موضوع	: اخوان ثالث، مهدی، ۱۳۰۷ - ۱۳۶۹ - نقد و تفسیر.
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
موضوع	: شعر فارسی - جنبه‌های روان‌شناسی
موضوع	: روان‌کاوی در ادبیات
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ۳ / ۴۲ PIR۳۵۳۰
رده بندی دیویی	: ۸۱۰ .۶۲۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۳۰۰۶

آدرس: میدان انقلاب، اما... رده جنوبی، کوچه دانشور، پلاک ۱۲، واحد ۲
شماره تماس: ۰۲۱۶۶۹۰۱۸۴۱ - ۰۹۱۲۲۳۳۰۲۶۹
آدرس الکترونیکی: raznahanbook@gmail.com
آدرس سایت: www.raznahanbook.com



که عنوان کتاب..... سایه معاصر (در شعر سهراب و اخوان)
که مولف..... مهران عالی‌وند
که صفحه آرا..... رضا کاوه
که طراح جلد..... رضا کاوه
که ناشر..... راز نهان
که شمارگان..... ۱۰۰۰ نسخه
که نوبت چاپ..... اول ۱۳۹۶
که قیمت..... ۹۸۰۰ تومان

ISBN: 978-600-258-316-1

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۱

فصل اول: آشنایی و ادبیات، تعاریف و توضیحات مبانی نظری

ادبیات و روانشناسی ۱۶

۱- خودآگاه ۱۹

۲- ناخودآگاه ۱۹

۲-۱ ناخودآگاه فردی ۱۹

۲-۲ ناخودآگاه جمعی ۲۰

۳- آرکی تایپ چیست؟ ۲۰

۳-۱ معرفی چند آرکی تایپ مشهور ۲۱

۳-۱-۱ سایه ۲۱

۳-۱-۲ نقاب ۲۳

۳-۱-۳ آئینا و آئیموس ۲۴

۴- جایگاه سایه در ساختار روان ۲۵

فصل دوم: جامعه پر آشوب، انسان نوعی

جامعه پر آشوب، زمینه ظهور سایه (با نگاهی به جامعه معاصر) ۲۸

فصل سوم: دیدار با سایه در هشت کتاب سهراب

سهراب	۳۸
الف - سهراب و گفت‌وگو با سایه	۴۰
جان گرفته	۴۱
جهنم سرگردان	۴۴
لولو، سیب‌ها و انسان مه‌آلود	۴۶
دیوار پیراندود و سیاه سرد بیتش گنگ	۴۷
سایه در شعر دبود	۵۰
هراس بزرگ (سایه و ترس)	۵۱
سایه با نامهای گوناگون	۵۵
برخی دیگر از شخصیت‌های مجهول شه سهراب	۵۸
نمونه‌هایی از شخصیت مجهول «من» در شعر سهراب	۶۰
نمونه‌هایی از شخصیت مجهول «او» در شعر سهراب	۶۰
نمونه‌هایی از «ما» ی مجهول در شعر سپهری	۶۱
ب- بررسی برخی از نمادهای مرتبط با سایه در شعر سهراب	۶۲
خطای نخستین در شعر سهراب	۶۲
فاصله	۶۴
گل نیلوفر	۶۵

فصل چهارم: دیدار با سایه در آثار اخوان

اخوان	۶۸
الف - اخوان و دیدار با سایه	۶۹
سایه در «زمستان»	۷۰
خفته	۷۰
بی سنگر	۷۲
مرداب	۷۴

۷۵	سایه و شعر زمستان
۷۸	چند نمونه دیگر از سایه در مجموعه زمستان
۸۰	ناگه غروب کدامین ستاره
۸۷	آنگاه پس از تندر
۹۴	آواز چگور
۹۷	میهمان خاطر
۹۸	ب- برخی از عبارات نمادین و مرتبط با سایه در شعر اخوان
۹۸	اهورا و اهریمن
۹۹	شکاک، چهره و خون آشام دو صفت برای سایه
۱۰۲	بغداد
۱۰۳	دوزخ بهشت
۱۰۵	فهرست منابع

پیشگفتار

تا قبل از تحصیل در سطح کورس‌های ارشد (سال‌های ۸۵ تا ۸۸) وقتی به واژه سایه برخورد می‌کردم، تنها به معنای لغوی آن فکر می‌کردم. اما هر چه زمان می‌گذشت و هر چه بیش‌تر جست‌وجویش می‌کردم، بیش‌تر از آن فاصله می‌گفتم. اکنون برایم روشن شده است که سایه، گستره‌ای دارد به پهنای همه عالم ناخودآگاه. نخستین دفعه آن‌که به سایه برخورد می‌کردم، با خود گفتم که این غریبه کیست که در بندهای شعر معاصر گرفتار شده است. پس از مدتی و دقتی بیش‌تر یافتم که سایه نه تنها غریبه نیست و در هیچ بندی گرفتار نشده، بلکه نیمی وجود هر کدام از ما را نیز بندی خود کرده است؛ و نه تنها کودکی نوظهور نیست، بلکه عمری دارد به درازی، و همه بشریت، بی‌شک در راه رسیدن به مفهوم سایه و درک آن، هر پهنده‌ای از راه بازمی‌ماند و در همین لنگ است. پس برای ما که در ساحل این دریای پهناور و بی‌کرانه نشسته‌ایم باید گفت:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

نخستین جرقه‌هایی که باعث شد سایه به عنوان موضوع تحقیق، مورد نظر قرار گیرد شعر زیر از قیصر

امین پور بود:

من سایه‌ای از نیمه پنهانی خویشم تصویر هزار آینه حیرانی خویشم
صدبار پشیمانی و صد مرتبه توبه هر بار پشیمان ز پشیمانی خویشم
(امین پور، ۱۳۸۶: ۵۶)

مضمون سؤال برانگیز این شعر، در واقع سرنخی بود که ذهن را از نیمه روشن به سوی نیمه تاریک وجود (سایه)، هنمون شده است.

عامل دیگر در انتخاب سایه اشارات و علاقه شمیسا به عنوان یکی از صاحب نظران عرصه ادبیات بود که در کتب مختلفی مانند نقد ادبی، «داستان یک روح» (بررسی بوف کور صادق هدایت) و معانی و بیان، به بحث در مورد سازه پرداخت و احساس می شد، جای آن هست که حداقل در شعر چند شاعر توانای معاصر مورد بررسی قرار گیرد.

علاوه بر این ها، عامل مهم در انتخاب این موضوع، علاقه شخصی به یک موضوع سورئال بود، موضوعی که حس بلندپروازی و خیال انگیزی را برانگیزد. موضوعی که مبتذل و تکراری نباشد.

انسان در برخورد با سایه و شناخت آن به دنبال آن است که خودی دیگر در خود کشف کند. می توان گفت هدف اساسی انسان، شناخت خویش است و از آنجا که سایه، بخشی از شخصیت انسان است، شناخت سایه منجر به شناخت خود و در نتیجه شناخت درخت نسبت به دیگران خواهد شد. به قول دبی فورده: «کار کردن روی سایه، کاری فکری نیست بلکه سفری از من به سوی قلب می باشد.» (فورده، ۱۳۸۷: ۲۶)

می دانیم که در مقابل ادبیات کلاسیک، ادبیات معاصر وجود دارد که به مسائل انسان زمینی می پردازد. سایه نیز با توجه به گفته یونگ، یکی از راه های شناخت هستی از راه دل است. پس اگر سایه شناخته شود، به درک ادبیات معاصر کمک شده است و در نتیجه انسان معاصر بهتر شناخته می شود. بنابراین سایه موضوعی مهم است و جایی آن است که به صورت اساسی به آن پرداخته شود.

یکی دیگر از دلایل انتخاب سایه این بود که موضوعی انتخاب شود که فارغ از هر رنگ و نژاد و قومیت و دین و مذهب و علاقه و سلیقه و هر موضوع دیگری، موردپذیرش نوع انسان باشد و بدون واسطه با روح بشریت سروکار داشته باشد. از این منظر سایه، پر و بالی است که با آن می‌توان به همه جا پرواز کرد. جایی که هیچ مورخ و منجم بدانجا نرسیده باشد. آنجایی که جز ناخودآگاه را بدان راهی نیست. جایی بین خواب و بیداری، جایی که چشم باز، شرط دیدن نیست.

در بررسی سایه، هدف لذت بردن بیش‌تر از روح شعر است. پیوند با ذات شعر است. نوشیدن شهد شیرین شعر است. رک آنچه شاعر گفته، بدون این که قابل رد یا اثبات باشد.

سایه، کشودن در، به عالمی دیگر است به نام ناخودآگاه. عالمی که یک‌سویش ازل است و سوی دیگرش ابد. به هر بین منظر در این اثر سعی شده است «جور دیگر» به سروده‌های سهراب و اخوان نگریسته شود.

در یک‌سوی این نوشته، سنن تازه پیش‌گامان شعر معاصر قرار دارد که خود دریایی بی‌کرانه و کناره است و در سوی دیگر سخن از کهن‌الگوها است که در حوزه روانشناسی قرار دارد.

شعر سهراب و اخوان معدنی از کهن‌الگوهاست. کهن‌الگوها شیه صدای حق‌نورزادان، زبان نامیرا و جاودانی مشترک میان همه بشریت است. حلقه پیوند میان کهن‌الگوها، نهانخانه دل شاعر است. نخستین کاوش‌ها و کوشش‌ها در این زمینه از کارل گوستاو یونگ است. او بود که نخستین بار به رابطه میان شعر شاعر و این نمونه‌های دیرینه روان انسان اشاره کرد. در این راستا، روان انسان نمونه‌ای از کلیت جهان در نظر گرفته شد. ما در این اثر سر آن داریم تا بازتاب یکی از این جهان‌های کهن روان انسان جمعی (سایه) را در آینه شعر این دو نشان دهیم.